

چندی است اظهارنظرهای متفاوتی نسبت به این برنامه می‌شود. برخی از تغییر نگاه برنامه حرف می‌زنند و اینکه «خندوانه» با دعوت از برخی چهره‌های سیاسی روند دیگری را در پیش گرفته است.

واقعیت برنامه «خندوانه» چیست؟



به گزارش اسپادانا خبر، رامبد جوان با شرق درباره حواشی این‌روزهای «خندوانه» به صحبت نشست.

تصور می‌شود «خندوانه» در سری جدید، شمایل متفاوت‌تری پیدا کرده، طبعاً مثل هر برنامه تلویزیونی، گروهی مخالف و موافق هم دارد. اما نکته اینجاست که وجه سیاسی برنامه بیش از هرچیز دیگری این‌روزها روی آن سایه انداخته و دلیل انتخاب برخی میهمانان به این حرف‌وحدیث‌ها دامن زده است. واقعیت «خندوانه» چیست؟

طبعاً فکر می‌کنم نظر مخالفان، روی همان بُعد دعوت از برخی میهمانان سیاسی است. آن‌هم به این دلیل که جناح مقابل، نمایندگان خودشان را در برنامه نمی‌بینند، اما واقعیت این است که سیاسی‌شدن «خندوانه» شوخی است. این برنامه بسیاری از اتفاقات جامعه‌شناسی و روان‌شناختی را با زبان طنز بیان می‌کند و واقعیت این است که این اتفاقات می‌تواند با هم تلفیق شود، اما به‌هیچ‌وجه دلیل خوبی برای متهم کردن ما به ساخت یک برنامه سیاسی نیست.

کسانی که مخالف برنامه ما به جهت دعوت از میهمانان سیاسی هستند می‌توانند قضاوت کنند که این مجموعه فقط در تعداد محدودی از برنامه‌ها میهمانان سیاسی داشته. ما میهمانان ورزشکار، روان‌شناس، مدیر، بازیگر و سیاسی داشتیم. از نظر من آقای طریف هم باید به برنامه بیاید یا حتی آقای سلحشور یا شریعتمداری، آن‌هم به چند دلیل که اساس ساخت برنامه «خندوانه» است. من کاری به نگاه سیاسی آدم‌ها ندارم اما برایم مهم است که یک مسئول چه می‌کند که حال مردم خوب شود؟ اساساً معنی اینکه من کسی را به این برنامه دعوت می‌کنم، این نیست که طرفدار صددرصد او هستم. بلکه به این معناست که آن آدم‌ها بخشی از مردم جامعه ما هستند. بنابراین باید همه طیف‌های مردم از هر نوع نگاه و طرز تفکری حضور داشته باشند و حرف بزنند. طبعاً هرکدام از آنها یک‌سری طرفدار یا موافق دارند. وقتی از کسی می‌پرسم چه چیزی حالت را بد می‌کند؟ سؤال مهمی مطرح می‌کنم؛ چراکه معتقدم با این پرسش بسیاری از زوایای رفتاری، ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طرف مقابل روشن می‌شود و جالب است که اکثراً میهمانان در پاسخ به پرسش من می‌گویند «دروغ» از هرچیزی بیشتر الحاشان را بد می‌کند و به نظرم همین پاسخ نشان می‌دهد که دروغ در جامعه ما چیز شایعی است.

دلیل مخالفت عده‌ای با برنامه «خندوانه» را متوجه نمی‌شوم؛ آن‌هم برنامه‌ای که تمام تلاشش را می‌کند تا به مردم یادآوری کند حالتان را خوب کنید. رفتاری، همیشه هست. کدام کشور دنیاست که مردمش گرفتاری و مشکلات نداشته باشند؟ حتی سوئیس هم که به کشور رفاه و آسایش شهرت دارد، مردمش گرفتاری‌های خاص خودشان را دارند. من از نزدیک مردم افسرده زیادی را در این کشور دیده‌ام. مهم این است که با وجود همه مشکلات، مردم به خودشان یادآوری کنند که می‌توانند حالشان را خوب کنند و هیچ‌کس در این امر به اندازه خودشان موفق نخواهد بود.

به نظر می‌رسد نکته اصلی برنامه هم همین موضوع است....

دقیقاً. دو نکته در برنامه ما حائز اهمیت است؛ اول اینکه نشان می‌دهیم همه آدم‌های موفق شوخ‌طبع هستند. نمی‌شود آدم عبوس

و بد اخلاق و گرفته‌ای وجود داشته باشد که اسمش را بتوان آدم موفق گذاشت. چون تو باید بلد باشی که با دنیا شوخی کنی یا بلد باشی با فاجعه شوخی کنی. همان‌طور که آرزو می‌کنم در یک خانواده همه در کنار هم سالم و خوشحال باشند و بچه‌ها دکتر و مهندس شوند، آرزو می‌کنم در هر خانواده یک کم‌دین وجود داشته باشد. این اتفاق بسیار بزرگی است. چون وجود این آدم‌ها باعث می‌شود حال اطرافیان هم خوب شود. نکته بعد این است که متأسفانه ما همیشه عادت کرده‌ایم از کسی متوقع باشیم مثل اینکه مدام از اطرافیان می‌پرسیم تو برای من چه کاری کردی؟ یا چرا به من توجه نمی‌کنی؟ انگار همیشه چیز دیگری باید وجود داشته باشد تا حال ما بهتر شود؛ این، تصور بسیار اشتباهی است.

فکر می‌کنم برنامه به نقطه‌ای رسیده باشد که بتوان یک ارزیابی از عملکرد این مدت داشت. تأثیرات «خندوانه» را چطور دیدید؟

خیلی خوب. برای ما این اهمیت دارد که این برنامه مورد تحقیق جامعه‌شناسان قرار بگیرد. از نظر من دو نوع نگاه وجود دارد؛ از نخبه به جامعه نگاه کنی و از جامعه به نخبه. ما نخبه‌هایی را به این برنامه دعوت می‌کنیم و میزان شادی آنها را نشان می‌دهیم و همین میزان خوبی است برای اینکه ببینی حال مردم چطور است. برای من مهم است که جامعه‌شناسان از طریق این برنامه و واکنش میهمانان به سؤال‌های، من تشخیص بدهند که ورزشکار، وزیر یا دکتر مملکت حالش خوب است یا نه؟

واکنش مردم به این برنامه گاهی برایم حیرت‌آور است. عجیب است اما این برنامه برای بخشی از مردم، مثل مُسکن است که باعث می‌شود ساعتی مشکلاتشان را فراموش کنند و سؤال این است که اگر روزی این برنامه تمام شود آنها که به دیدن آن عادت کرده‌اند و به این شادی نیاز دارند چه می‌شوند؟ باور نمی‌کنید اگر بگویم این جمله را روزانه از تعداد زیادی می‌شنوم که قرص اعصاب مصرف می‌کردند و الان دیگر وضعیت سابق را ندارند. همین چند وقت پیش بود که خانمی برایم تعریف می‌کرد که دخترش یک سال خودش را در اتاقش حبس کرده و ارتباطش را با خانواده قطع کرده بود و بعد از دیدن این برنامه به مرور به زندگی برگشته و رابطه‌اش با خانواده خوب شده و حتی به سفر و کوه می‌رود؛ یا خانم دیگری که تعریف می‌کرد یک‌بار خودکشی کرده اما نجاتش دادند و دوباره قصد داشته خودکشی کند تا اینکه بعد از دیدن چندین بار «خندوانه»، تصمیم گرفته است به خودش آسیب نزند و امیدوار به بودن در کنار خانواده‌اش باشد.

آقای جوان، بسیاری اعتقاد دارند که سری جدید برنامه با سری پیشین تفاوت‌های زیادی دارد. از جمله اینکه شاید در سری جدید بتوان چیدمان برنامه را حدس زد و حتی پرسش‌های ثابتی را که از میهمان برنامه می‌شود پیش‌بینی کرد. همه اینها غافلگیری مخاطب را کم می‌کند. نمی‌دانم اعضای اتاق فکر «خندوانه» معمولاً برای به‌روز نگه داشتن آن، چه تصمیماتی می‌گیرند؟ آیا به فکر تغییر در برنامه نیستید؟

به‌رحال ما یک تیم ایده‌پردازی متشکل از بهرام عطیمی، رضا شهیدی‌فرد، سجاد افشاریان و... داریم. طبعاً برنامه قابلیت این را دارد که مدام بتوان اتفاقات جدیدی را در آن به وجود آورد. اما چیزی که برای برنامه تعریف شده یک قالب مشخص دارد؛ اینکه در برنامه، کم‌دین یا گفت‌وگو با میهمان داریم، یا حضور چهره‌های جدید مثل نیما و سایر اتفاقاتی که شاهدش هستید. اما طبعاً قاعده تغییر و تحولات این است که بعد از ۴۰ یا ۵۰ برنامه سعی کنیم چیزهای جدیدی به کلیت آن اضافه کنیم. برای من مهم‌ترین اتفاق برنامه این است که به مردم امید بدهیم که دنیا جای خوبی است. ایران سرزمین ماست و به ایرانی‌بودنمان افتخار کنیم. همین چند وقت پیش سرود خلیج فارس را همگی با هم در استودیو اجرا کردیم و بیننده‌های خندوانه از آن استقبال کردند. واقعیت این است که تحقیقات بسیاری درباره خنده و شادی به‌عنوان منابع قابل استناد پشت این برنامه است. شادی اتفاق بسیار مهمی است، همان‌طور که در برنامه بارها به آن تأکید کردم. روانشناسان تأکید می‌کنند روزی پنج دقیقه خنده مصنوعی زندگی شخص را متحول می‌کند؛ چراکه بعد از دو هفته عبوس‌ترین آدم‌ها یک دقیقه آخر خنده‌های مصنوعی‌شان، قهقهه می‌زنند و بعد از دوماه، مهارت خندیدن را یاد می‌گیرند. نکته مهم این است که مغز فرق بین خنده مصنوعی و طبیعی را تشخیص نمی‌دهد. خندیدن اعم از مصنوعی و طبیعی در بدن ما باعث ترشح هرمونی می‌شود که باعث شادی می‌شود و گلبول سفیدی در بدن به نام «ان-کی» وجود دارد که وظیفه آن حمله به سلول‌های سرطانی است و ساختار آنها را به هم می‌زند. گلبول «ان کی» وقتی ترشح می‌شود که احساس شادی می‌کنیم و لبخند می‌زنیم. من به هیچ‌وجه مخالفت عده‌ای با این برنامه را متوجه نمی‌شوم؛ برنامه‌ای که تمام تلاشش شاد کردن مردم است. در مورد انتقادی که به پرسش‌های برنامه هم دارید، باید بگویم اینها سؤال‌هایی است که برای من بسیار مهم هستند و باید پرسیده شوند.

یکی از شخصیت‌هایی که به برنامه اضافه شده، «نیما» است. لزوم اضافه شدن چنین شخصیتی به برنامه چه بود؟

فکر کردیم بهتر است شخصیتی به‌عنوان نماینده آدم‌های معترض در برنامه وجود داشته باشد و شخصیت نیما دقیقاً بر این اساس طراحی شده است. طبعاً بین بچه‌های تئاتر گرینش کردیم و نیما شعبان‌نژاد گزینه بسیار مناسبی برای حضور در برنامه بود. نیما بسیار باهوش و حواس جمع و به نظرم حضورش اتفاق خوبی در برنامه است.

فکر می‌کنم در ابتدا کسی تصور نمی‌کرد «خندوانه» در شبکه نسیم که مخاطبان محدودی دارد تا این حد دیده شود و فکر می‌کنم این برنامه توانسته مخاطبانش را پیدا کند. آیا طرحی مبنی بر چگونگی ادامه‌دار شدن برنامه وجود دارد؟

به‌رحال شبکه نسیم یک شبکه تخصصی است. در حال حاضر ما گرامر شبکه و شبکه گرامر ما را می‌دانند. آقای کرمی مدیر شبکه، یکی از بهترین مدیرانی است که تا به امروز با او کار کرده‌ام. این را نه به دلیل اینکه برنامه ما در شبکه نسیم پخش می‌شود، بلکه از این نظر می‌گویم که در این مدت نظراتش همیشه به نفع کار بوده. هیچ‌وقت نظرش دوست دارم یا دوست ندارم نیست. ما برای مردم برنامه می‌سازیم و مدیران هم باید متوجه باشند برنامه برای مردم تولید می‌شود نه آنها. بنابراین علاقه شخصی آنها در برنامه‌سازی نقش کمتری دارد و خوشبختانه ما این تعامل خوب را در شبکه نسیم با مدیریت داریم.

واقعیت این است که «خندوانه» یک تیم است که همه برای بهتر شدنش تلاش می‌کنیم؛ شاید در نهایت من به عنوان سرپرست این گروه هستم که باید موافقت یا مخالفت را با اتفاقی بیان کنم؛ اما ما یک گروه هستیم و من عاشق گروهی کار کردن هستم. البته قبلا این روحیه گروهی کار کردن را نداشتم اما از جایی به بعد خودم را تربیت کردم که با گروه کار کردن باعث اتفاقات بهتری می‌شود و حالم هم بهتر است.

طبعاً به واسطه حضور بیشتر در تلویزیون، سینما برایتان کم‌رنگ شده است. هرچند معتقدم بعد از آزمون و خطاهایی که در برنامه‌سازی تلویزیون انجام دادید، «خندوانه» همان ایده‌آلی است که برای خودتان تعریف کردید. اما «خندوانه» همیشه ادامه‌دار نخواهد بود. فکر می‌کنید این برنامه به جایی رسیده است که بتواند حتی بدون شما راهش را ادامه دهد؟

اگر «خندوانه» سریال بود یا چیزی غیر از اتفاقی که هست، نمی‌توانستم پای آن بایستم. الان کف دستم می‌خارد برای دکوپاژ کردن فیلم و فیلم‌سازی. اما احساسم این است که این برنامه الان دیگر مثل یک باشگاه خنده و شادی است و چراغش باید روشن باشد. واقعیت این است که مردم به این شادی نیاز دارند، در نتیجه الان دیگر نمی‌توانم به چیز دیگری فکر کنم. شاید در آینده به جایی برسد که به اصطلاح موتورش روشن شود و فکر کنم می‌تواند مسیرش را ادامه بدهد ولی در حال حاضر نظری ندارم؛ یعنی نمی‌دانم چه اتفاقی خواهد افتاد.

میهمانی هست که همچنان منتظر حضورش در برنامه باشید؟

دوست داریم دکتر روحانی و آقای ظریف را در برنامه داشته باشیم و حتی آقای سلحشور. من با عقاید آقای سلحشور مشکل دارم و به نظر من حرف‌هایش توهین‌آمیز است، اما ما احساسی رفتار نمی‌کنیم. دوست داریم ببینیم لیخند آقای شریعتمداری چند امتیاز می‌گیرد!

به نظرم حضور رضا شهیدی فرد، به عنوان همراه شما در این برنامه اتفاق خوبی برای «خندوانه» است، چراکه از معدود برنامه‌سازانی است که همیشه کیفیت و خلاقیت در آثارش وجود داشته. بعد از چندین ماه همکاری به سلیقه مشترک رسیده‌اید؟

بله. رضا شهیدی فرد بسیار حرفه‌ای و فوق‌العاده است. سلیقه، دانش و اشراف او به برنامه‌سازی و رسانه ملی بی‌نظیر است. واقعیت این است که بعد از اضافه شدن او به گروه باری از دوش من برداشته شد.

آقای جوان اتفاقی در برنامه وجود دارد که تصور می‌کنم باز هم رنگ کلیشه به خودش می‌گیرد؛ حضور کم‌دین‌هایی که تعدادشان محدود است و در طولانی‌مدت می‌تواند مخاطب را خسته کند. فکری برای تنوع بیشتر برای حضور کم‌دین‌ها در برنامه شده است؟

بله. به مرور تعداد آنها بیشتر خواهد شد؛ مثلاً با جواد عزتی صحبت کرده‌ایم و تعدادی دیگر از دوستان که در کنارمان خواهند بود.

حرفی هست که ناگفته باقی مانده؟

باز هم تأکید می‌کنم ما سیاسی نیستیم و نخواهیم شد. طبعاً یک برنامه تلویزیونی سیاست‌های خاص خودش را دارد، اما نمی‌توان ما را به این متهم کرد که برخی از کارها را بنا به دستور یا فرمایش انجام می‌دهیم؛ مثلاً لازم نیست کسی به ما دستور بدهد درباره شهدا یا جانبازان صحبت کنیم و قسمتی بسازیم. ما به آنها معتقدیم و باید درباره قهرمانی‌شان صحبت کنیم و یادآوری کنیم کسانی از جانشان گذشتند تا ما الان اینجا باشیم و یک عده‌ای هنوز وجود دارند که جانباز هستند و همین مردمی هستند که ما بین آنها زندگی می‌کنیم. چرا عده‌ای فکر می‌کنند این حرف‌ها به من حکم می‌شود؟ من از دو نماینده تفکر راستی‌ها و چپی‌ها برای حضور در برنامه دعوت کردم و خواهم کرد و شاید عده‌ای نپذیرند در برنامه حضور داشته باشند. این اتفاق، دیگر تقصیر من نیست.

برچسب ها: [صدای سیمای 1](#)